

ارزیابی مؤلفه‌های محیطی جرم خیزی در کوی مدرس، شهر دزفول

مصطفی محمدی ده چشمه^۱، یوسف محلی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۱۵

از صفحه ۱ تا ۲۲

پژوهشنامه جغرافیای نظامی

سال پنجم، شماره بیستم، زمستان ۱۳۹۶

چکیده

پژوهش حاضر باهدف امکان‌سنجی جرم‌خیزی از طریق تبیین اثرگذاری مؤلفه‌های محیطی در کوی مدرس شهر دزفول، به‌عنوان یکی از پهنه‌های مصوب اسکان غیررسمی انجام‌شده است. این پژوهش بر اساس هدف، کاربردی و بر اساس روش و ماهیت، توصیفی، تحلیلی مبتنی به مدل پیمایشی است. شاخص‌های منتخب بر مبنای آراء خبرگان، با استفاده از تکنیک دلفی و مصاحبه با (۴۰) کارشناس صاحب‌نظر استخراج‌شده‌اند و پس‌از آن مدل تحلیلی متشکل از (۴) عامل و (۱۴) زیر عامل در قالب تکنیک تحلیل سلسله مراتبی فازی (FAHP) مدل‌سازی شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مؤلفه‌های محیطی مؤثر بر وقوع جرائم شهری، با واریانس متفاوتی در قلمرو پژوهش پراکنده است. خروجی مدل نشان می‌دهد بیشترین ارزش فازی مؤلفه‌های محیطی در قلمرو مطالعه، به شاخص‌های کاربردی‌های شبانه‌روزی با ارزش وزنی (۰ ۳۶۹) و ساختمان‌های متروکه و بدون استفاده با ارزش وزنی (۰ ۱۰۲) تعلق دارد. همچنین بررسی اعمال ارزش وزن تحلیل سلسله مراتبی فازی در قلمرو پژوهش نشان داده است که پهنه (۳)، جرم‌خیزترین و پهنه (۲)، ایمن‌ترین پهنه در ارتباط با عوامل محیطی جرم‌خیزی محدوده مورد مطالعه شناخته‌شده‌اند.

کلید واژه‌ها: محیط، جرم‌خیزی، تحلیل سلسله مراتبی فازی، کوی مدرس، دزفول.

۱- استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران.

۲- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران. (نویسنده مسئول). yousefmahali@gmail.com

بیان مسئله

برقراری نظم و امنیت و اقدام برای کاهش ناهنجاری‌های شهری همواره یکی از دغدغه‌های مهم مدیران و برنامه‌ریزان شهری به حساب می‌آید، زیرا امنیت، هم زمینه‌ساز بستر توسعه اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی است و هم از این عناصر تأثیر می‌پذیرد (رهنمایی و پور موسوی، ۱۳۸۵: ۱۷۷). امروزه یکی از مشکلاتی که گریبان‌گیر اکثر شهرها به‌ویژه کلان‌شهرهای کشورمان شده است، افزایش پدیده جرم و بزهکاری در شهرها است (سلیمی سبحان و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۶). این در حالی است که شناسایی عوامل جرم‌زا اصلی‌ترین گام در جهت کاهش جرائم محسوب می‌شود. اندیشمندان طی بررسی‌های به‌عمل‌آمده به این نتیجه رسیده‌اند که انگیزه، زمان و مکان سه عنصر اصلی در وقوع جرائم مختلف می‌باشند (حیدری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲). گسترش شهرنشینی موجب پیچیده شدن ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی شهر و بروز ناامنی در محلات مسکونی شده است (حیدر پور شادهی و عموزاده، ۱۳۹۳: ۲). آمار جرائم ارتكابی در محیط‌های گوناگون، بیانگر این امر است که مجرمان در ارتكاب عمل مجرمانه خویش، اغلب دارای انتخابی عقلانی بوده و فرصت‌های مناسب و کم‌خطر را برای انجام جرم انتخاب می‌کنند؛ بنابراین مجرمان بیشتر مناطقی را برای ارتكاب جرم برمی‌گزینند که وقوع جرم در آن‌ها راحت‌تر بوده و امکان مشاهده و دستگیری در آن مناطق کمتر باشد. این مسئله نشان‌دهنده ضرورت شناخت مکان به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در ایجاد فرصت‌های جرم‌زا یا تسهیل‌کننده وقوع آن است. از این‌رو، می‌توان با تغییر شرایط جرم‌زای محیطی و فیزیکی و ایجاد یا تقویت فضاهای قابل دفاع و مقاوم در برابر جرم و مجرمان به میزان قابل‌توجهی از وقوع جرائم و ناهنجاری‌های موجود در شهرها کاست (رحمت، ۱۳۸۸: ۱۴). کشور ایران نیز مانند بیشتر کشورهای دنیا طی نیم‌قرن اخیر درزمینه شهرنشینی دگرگونی‌های زیادی به خود دیده است. مهاجرت از روستا به شهرها، گسترش شهرنشینی و افزایش جمعیت شهری سبب شده است تا میزان انحرافات اجتماعی نیز نرخ بالایی به خود بگیرد (بیات رستمی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳). نظرسنجی انجام‌شده در هشت شهر بزرگ ایران برای تعیین میزان احساس امنیت آنان، نشان داده که (۸۱٪) ساکنان این شهرها احساس ناامنی می‌کنند. برخی از عوامل ایجاد ناامنی، علل محیطی داشته‌اند (طاهر خانی ۱۳۸۱:

۱۸). در بین شهرهای کشور، شهر دزفول از جمله شهرهایی است که میزان جرائم آن قابل توجه است. شهر باستانی دزفول بنا به موقعیت خاص راهبردی خود در گلوگاه شمال خوزستان و پتانسیل‌های محیطی فوق‌العاده، مورد هجوم گسترده مهاجران از شهرها و روستاهای اطراف قرار می‌گیرد که پیامد این بحران شهری، شکل‌گیری محله‌های فقیرنشین و سکونت‌گاه‌های نامتعارف با پتانسیل جرم‌خیزی بالا در حاشیه‌های شهر است. محله‌های کوی مدرس، ولی‌آباد و ... نمونه‌های بارز این نوع سکونت‌گاه‌ها می‌باشند. این شهر به دلیل موقعیت خاص خود در منطقه و وجود پتانسیل‌های فراوان و ظرفیت‌های منابع طبیعی طی دو دهه اخیر دگرگونی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سریعی را تجربه کرده است. افزون بر این، طی چند سال اخیر مهاجرت‌های بسیاری به‌خصوص از سایر شهرستان‌های استان خوزستان به این شهر صورت گرفته که جمعیت آن را به میزان قابل توجهی افزایش داده و موجب مسائل و مشکلات متعددی شده است. در این راستا هدف پژوهش حاضر نیز، پیش‌بینی پتانسیل وقوع جرم از طریق تبیین اثرگذاری مؤلفه‌های محیطی بر وقوع جرائم شهری و کاهش احساس ناامنی شهروندان در کوی مدرس شهر دزفول است. این منطقه از دزفول که جز مناطق حاشیه‌نشین شهر است، از جرم‌خیزترین مناطقی است که دارای مشکلاتی از قبیل جرم و جنایت، کیف‌قاپی، شرارت، باج‌گیری و خریدوفروش موادمخدر است. درواقع، وجود فضاهای بی‌دفاع، نقاط کور منطقه و شرایط محیطی نامناسب، تأثیر چشمگیری در جرم خیز بودن کوی مدرس داشته است.

اهداف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش تدوین و ارائه مدل پیش‌بینی پتانسیل وقوع جرائم شهری از طریق تبیین اثرگذاری مؤلفه‌های محیطی مؤثر بر وقوع جرائم شهری در کوی مدرس شهر دزفول است.

اهداف فرعی پژوهش نیز به شرح زیر است:

- ارائه مدل تحلیلی از مؤلفه‌های مؤثر بر وقوع جرائم شهری؛
- مقایسه و اولویت‌بندی پهنه‌های چهارگانه کوی مدرس از جهت پتانسیل وقوع جرم.

پرسش‌های پژوهش

با توجه به مطالعات و بررسی‌های انجام‌شده پرسش‌های پژوهش به شرح زیر مطرح می‌شوند:

- وضعیت شاخص‌های کالبدی-مکانی، به چه میزان در افزایش جرائم شهری کوی مدرس تأثیر دارد؟
- پهنه‌های سه‌گانه محدوده مورد مطالعه، از جهت میزان وقوع جرائم چه تفاوت‌هایی دارند؟

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به پرسش‌ها، فرضیه‌های پژوهش عبارت است از:

- به نظر می‌رسد که وضعیت شاخص‌های کالبدی-مکانی در افزایش جرائم شهری در کوی مدرس تأثیر چشمگیری دارند.
- به نظر می‌رسد بین ساکنان پهنه‌های چهارگانه محدوده مطالعاتی از جهت میزان وقوع جرائم شهری تفاوت وجود دارد.

پیشینه پژوهش

به نظر می‌رسد دلیل اهمیت بررسی‌های جغرافیایی جرائم در مقطع کنونی، افزایش میزان جرم و جنایت و خشونت‌های شهری در بیشتر کشورهای جهان است. همین امر باعث شده است تا دیدگاه‌های جدیدی پیرامون مکان و جرم مطرح‌شده و بررسی عوامل مکانی فضایی این کج‌روی‌ها، شناسایی مکان‌های مستعد برای ارتکاب بزه در شهرها و تلاش برای پیشگیری و کاهش آن ضرورت پیدا کند. می‌توان در عرصه طراحی محیطی و جرم‌خیزی به پژوهش‌های صورت گرفته ذیل اشاره کرد:

الف) مطالعات خارجی

فیل مک کاملی^۱ (۲۰۰۱) در مقاله‌ای، رابطه جرم، طراحی و برنامه‌ریزی شهری را با تئوری و تکنیک در استرالیا و نیوزیلند به کار می‌گیرد و راهکارهای پیشگیری جرم از

1- Phil McCamley

طریق طراحی محیطی را در پلیس NSW ارزیابی می‌کند و راهبردهای طراحی امنیت را بیان می‌کند.

الدین عبدالله^۱ و همکاران (۲۰۱۱)، بر اساس پژوهشی که در خصوص رابطه پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی انجام دادند، دریافتند که بهترین راه برای سنجش سپتد^۲، از طریق این سه حوزه یعنی: قلمرو، نظارت و حفاظت است. نتایج به‌دست‌آمده نشان داد که جنبه‌های قلمرو و حفاظت شاخص خوبی را به دست می‌داد.

ونگ^۳ و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهش خود دریکی از شهرستان‌های ایالت متحده، با استفاده از الگوی افتراق مکانی^۴، به ارزیابی توزیع فضایی جرم پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که مدل Hot در شناسایی نقاط جرم خیز دقیق‌تر از مدل HSA عمل کرده است.

ب) مطالعات داخلی

در سال‌های اخیر مطالعاتی مرتبط با موضوع این پژوهش در ایران صورت گرفته است که می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: رحیمی (۱۳۸۵)، در پژوهشی به‌منظور شناسایی رابطه بین شرایط محیطی و مکانی ارتکاب جرم با عنوان تحلیل فضایی جرم و جنایت در محدوده شهر کرج با استفاده از GIS؛ با بررسی چگونگی پیدایش، کیفیت و نحوه پراکندگی اعمال مجرمانه در محدوده جغرافیایی شهر، به این نتیجه رسید که به کمک نمایش فضایی اعمال مجرمانه و تلفیق این اطلاعات با داده‌های ارتکاب جرائم و شاخص‌های اجتماعی- اقتصادی مجرم و محل سکونت او، امکان شناسایی کانون‌های جرم خیز و پیش‌بینی محل‌های وقوع ناهنجاری در محدوده شهر فراهم می‌شود.

صالحی (۱۳۸۸)، در پژوهشی با عنوان پیشگیری از جرم در فضاهای شهری تهران نشان داد، هر چه در ترکیب و توزیع کاربری زمین، عملکردهای فعال‌تری در طول روز و شب وجود داشته باشد و هر چه در ترکیب و توزیع کاربری‌ها تنوع بیشتری ایجاد شود، انتظار می‌رود با افزایش نظارت اجتماعی، امنیت بیشتری تأمین شود.

1- Aldrin Abdollah

2- CPTED

3- Wang

4- GD Patterns

شاهیوندی و همکاران (۱۳۸۸)، پژوهشی با عنوان توزیع فضایی جرم در مناطق شهر اصفهان انجام دادند. جامعه آماری آن‌ها را کلیه زندانیانی که در سال ۱۳۸۸ به دلیل ارتکاب به جرم در زندان مرکزی شهر اصفهان به سر می‌بردند، تشکیل می‌داد. نتایج به‌دست‌آمده نشان داد که بیشترین نوع جرم و جنایت به‌صورت سرقت بوده است.

مبانی نظری پژوهش

نظریه‌های جرم‌شناسی مرتبط با محیط

عوامل متعددی در تحقق بزهکاری دخالت دارند؛ اما سه عنصر اساسی را می‌توان شالوده وقوع تمامی جرائم دانست؛ مجرم، قربانی و محل وقوع جرم. در صورت نبود هر یک از این عناصر، جرمی به وقوع نمی‌پیوندد (بارانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۱). پژوهش‌های متعدد به‌خوبی اثبات کرده است که با تغییر شرایط محیطی و طراحی مناسب فضا، سطح جرائم خاص را می‌توان کاست و سطح ایمنی را افزایش داد (محمدی، حمیدی و کلانتری، ۱۳۹۴: ۳۲۹). در این مطالعه به مهم‌ترین و تازه‌ترین دیدگاه‌های مرتبط با بررسی محیط ارتکاب جرم در شهرها پرداخته شده است.

نظریه فضاهای قابل دفاع

در سال ۱۹۷۳ اسکار نیومن، در راستای اندیشه‌های پیشگیری از جرم، از طریق طراحی محیطی و برنامه‌ریزی شهری، دیدگاه فضای مقاوم در برابر جرم فضای قابل دفاع را مطرح کرد (کلانتری و عبدالهی حقی، ۱۳۸۷: ۱۷). وی در کتابی که در همین زمینه منتشر کرد از شکل مجتمعات مسکونی در آمریکا به‌شدت انتقاد کرد. میزان بالای جرم در فضاهای عمومی مربوط به مجتمعات مسکونی به علت فرم و طراحی نامناسب آن‌ها، هم‌چنین رشد چشمگیر انبوه‌سازی مسکن، بدون توجه به مسئله تعاملات انسانی و روابط همسایگی در طراحی و معماری این‌گونه مسکن‌ها، از مسائل مورد تأکید نیومن است. این وضعیت موجب شده تا اغلب برای ساکنان این‌گونه از مجتمعات، تشخیص همسایگان و ساکنان بومی از افراد غیر و هم‌چنین بزهکاران و مجرمان دشوار باشد. به‌عبارت‌دیگر کنترل‌های غیررسمی در این محیط‌ها به‌شدت کاهش می‌یابد و این امکان را فراهم می‌کند تا بزهکاران درحالی‌که ترس اندکی از دستگیری دارند مرتکب جرم شوند. به همین سبب نیومن و برخی دیگر از معماران

روشنفکر مانند ریچارد گاردنیر برای تغییر این شرایط و ارتقاء ایمنی در ساخت‌وساز واحدهای مسکونی، پیشنهادهایی را در خصوص طراحی آن‌ها ارائه دادند. هدف اصلی نیومن و همکاران وی این بود که رفتار ساکنان این محیط‌ها را نسبت به اتفاقات اطراف و هم‌چنین دیگر ساکنان تغییر داده و انگیزه آنان برای نظارت عمومی و حساسیت بیشتر به محیط عمومی اطراف خودشان را ارتقاء دهند (کلارک، ۱۳۸۷: ۳۴۵).

کیفیت فضای شهری و رفتار

در این پژوهش، محیط روان‌شناختی شهری که نوع و چگونگی میزان کاربری فضا را تعیین می‌کند، مورد ارزیابی و دقت قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، درک رابطه بین جامعه و محیط در طراحی شهری اصلی، از عوامل کلیدی محسوب می‌شود. در این رابطه، اولین ایده‌ای که باید مدنظر قرار گیرد، اصل قطعیت تأثیر معماری بر محیط است که بیان می‌دارد محیط فیزیکی تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر رفتار انسانی دارد. علاوه بر اصل قطعیت دو دیدگاه اصلی در مورد میزان تأثیر محیط بر اعمال فرد وجود دارد که عبارت‌اند از: وجود امکانات مختلف در محیط حق انتخاب و وجود احتمالات گوناگون در محیط (کارمونا، ۱۳۸۸: ۱۳). در میان صاحب‌نظران ایرانی، حسین بحرینی در کتاب تحلیل فضاهای شهری به ارزیابی کمی و کیفی الگوی رفتاری استفاده‌کنندگان از خیابان پرداخته است. از نظر بحرینی رفتار افراد پیاده در استفاده از فضا به‌طور عمده، ریشه و منشأ فرهنگی دارد و محیط تنها نقش کمکی و یا بازدارنده داشته و به‌هیچ‌وجه تعیین‌کننده رفتارها نیست؛ بنابراین از آنجاکه امکان هرگونه تغییر در فرهنگ و یا الگوهای رفتاری به‌طور مستقیم و در کوتاه‌مدت وجود ندارد می‌توان با استفاده از طراحی، فعالیت‌های مناسب را حمایت و فعالیت‌های نامناسب را تهدید نمود (بحرینی، ۱۳۷۵: ۸).

نظریه رویکرد امنیت از طریق طراحی محیطی

مطالعات متعدد نشان داده است که محیط فیزیکی می‌تواند افزایش یا کاهش فرصت برای جرم و جنایت را فراهم آورد (محمدی حمیدی و کلانتری، ۱۳۹۴: ۳۲۹). امنیت از طریق طراحی، استفاده هوشمندانه از فضای انسان‌ساخت به‌منظور ارتقاء امنیت شهری در فرایند طراحی و برنامه‌ریزی محیط، مصنوع است. در واقع می‌توان این رویکرد را

به‌عنوان راهی برای تحقق شهر ایمن دانست که از اقدامات پیشگیرانه از طریق طراحی و برنامه‌ریزی شهری برای کاهش احتمال تجاوز و جرائم شهری بهره می‌گیرد (اطلس^۱، ۲۰۰۰: ۲). در این راستا، طراحی شهری می‌تواند نقش بسیار مهمی در جلوگیری از وقوع جرائم ایفا نماید. برنامه‌ریزان شهری با شناخت محیط‌های جرم‌زا در شهرها و نیز با برنامه‌ریزی و طراحی مناسب، می‌توانند فضاهای مقاوم در برابر جرم ایجاد کنند و از وقوع بسیاری از جرائم جلوگیری نمایند؛ بنابراین با شناخت رابطه بین نوع و میزان جرم و ویژگی‌های مکانی و محیطی وقوع آن‌ها و برنامه‌ریزی و طراحی و معماری مناسب این‌گونه فضاها می‌توان میزان ناهنجاری را در شهرها به حداقل میزان ممکن تقلیل داد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲). در این زمینه، چند رویکرد پیشنهاد شده که رویکرد پیشگیری از جرم سپید یکی از مشهورترین آن‌ها است و از دهه ۱۹۶۰ مطرح شده است (کرو^۲، ۲۰۰۰: ۴۶). پژوهش‌ها نشان می‌دهد، ساکنانی که در محدوده‌هایی که رویکرد امنیت از طریق طراحی در آن‌ها پیاده‌سازی شده است زندگی می‌کنند، نصف دیگران احساس ناامنی می‌کنند و (۵ ۲) برابر کمتر از جرائم وسایل نقلیه رنج می‌برند؛ هم‌چنین محدوده‌های توسعه‌یافته مطابق اصول این رویکرد سبب کاهش ۲۵ درصدی فرصت‌های مجرمانه می‌شود (مونچاک و آرمیتاژ^۳، ۲۰۱۰). در این نظریه بر طراحی مناسب و استفاده مؤثر از محیط بر کاهش ترس از بزهکاری و وقوع جرم و در نتیجه افزایش کیفیت زندگی تأکید شده و در پی آن نقش فضاهای بی‌دفاع شهری مورد توجه جدی‌تر قرار گرفته است (نایبی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۰۲).

روش پژوهش

این پژوهش بر اساس هدف، کاربردی و بر اساس روش و ماهیت، توصیفی، تحلیلی مبتنی به مدل پیمایشی است. هم‌چنین در تبیین ادبیات و سوابق موضوع پژوهش، مطالعات کتابخانه‌ای گسترده‌ای بکار رفته است. پس از آسیب‌شناسی رویه‌های موجود با استفاده از تکنیک دلفی با ۲۲ کارشناس صاحب‌نظر و شهر ساز بومی همفکری و پس از ادغام نتایج، مدل تحلیلی متشکل از چهار خوشه و ۱۴ زیرگروه در قالب تکنیک

1- Atlas

2- Crow

3- Monchuk and Armitage

تحلیل سلسله مراتبی فازی^۱ مدل‌سازی شده است. در این روش با تجزیه مسئله تصمیم‌گیری به شاخص‌های آن، مدل تصمیم‌گیری به صورت سلسله مراتبی ساخته شده و اولویت نسبی معیارهای تصمیم‌گیری با استفاده از مقایسات زوجی کیفی مشخص شده است. سپس ماتریس‌های مقایسات زوجی مؤلفه‌ها در نرم‌افزار صفحه گسترده EXCLE وارد شده است. جهت جلوگیری از تکرار مؤلفه‌های محیطی مؤثر بر وقوع جرائم شهری، بر اساس کدهای A_1 الی A_{14} نام‌گذاری شده‌اند. در ادامه مدل مفهومی پژوهش در شکل شماره (۱)، نشان داده شده است.

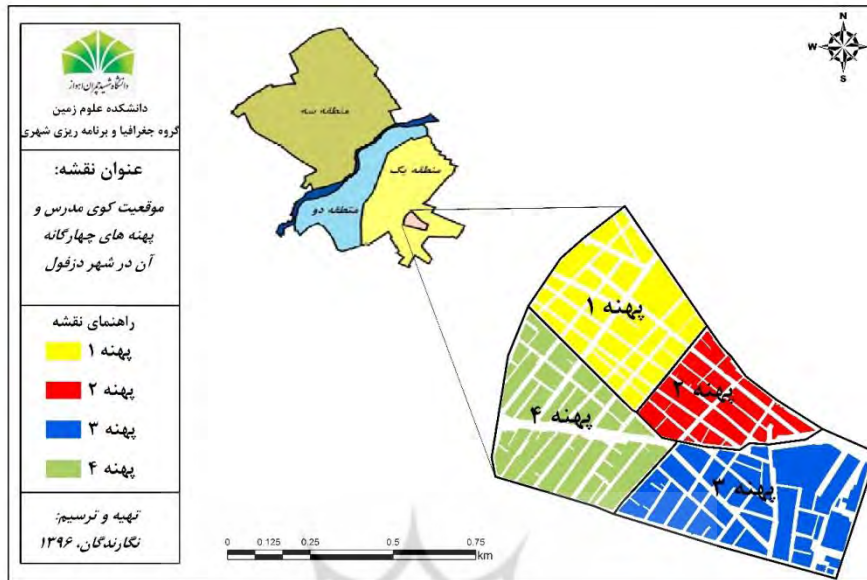


شکل شماره (۱): مدل مفهومی پژوهش (نگارندگان، ۱۳۹۶).

قلمرو پژوهش

دزفول که در کنار رودخانه دز و در بخش‌های جلگه‌ای شمال استان خوزستان گسترده شده است. گستردگی آن نزدیک به ۴۷۶۲ کیلومترمربع است. از لحاظ وسعت دومین شهر بعد از اهواز در استان و دارای جمعیت ۴۲۰ هزار نفر می‌باشد. شهرک مدرس از لحاظ موقعیت جغرافیایی در جنوب شهرستان دزفول در خروجی شهرستان به سمت شهرستان شوشتر قرار دارد؛ اما به دلیل نزدیکی منطقه‌ای به مرکز شهر جزء مناطق شهری و تحت پوشش شهرداری منطقه (۱) قرار دارد و اغلب در نقشه‌ها نام آن کوی مدرس قید شده ولی در بین مردم دزفول و حومه به نام شهرک مدرس شناخته می‌شود. این شهرک جمعیتی بالغ بر ۳۰ هزار نفر دارد و به‌طور کلی شرایط مناسبی برای تبدیل شدن به شهر را دارا می‌باشد. به تدریج، این منطقه از حدود سال ۱۳۶۸ در قسمت شرقی شهر دزفول و بر اثر مهاجرت‌های بی‌رویه و کنترل نشده روستاییان شکل گرفته و رشد کرده است. در حالی که این بخش از مناطق حاشیه‌نشین و اسکان غیررسمی است و در طول زمان، بر اثر گسترش شهر جزء بافت آن درآمده است و متعاقب آن، مسئولان و متصدیان با توجه به پاره‌ای ملاحظات سیاسی و اجتماعی و به ناگزیر این محدوده را جزء محدوده قانونی شهر در نظر گرفتند و هرچند طی این سال‌ها تلاش شد تا حد امکان خدمات شهری مورد نیاز ساکنان تأمین شود، با این حال این منطقه از نظر کالبدی و اجتماعی و اقتصادی با مشکلات و نارسایی‌های فراوانی روبه‌روست. در شکل شماره (۲)، موقعیت پهنه‌های چهارگانه کوی مدرس شهر دزفول به صورت شماتیک نشان داده شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل شماره (۲): موقعیت محدوده مورد مطالعه (نگارندگان، ۱۳۹۶).

مطابق با جدول شماره (۲) وضعیت فعلی نشان می‌دهد که محدوده کوی مدرس از شهرداری منطقه (۱)، دارای ویژگی‌هایی کالبدی زیر است:

جدول شماره (۲): ویژگی‌های کالبدی محله‌های کوی مدرس

- وجود زمین‌های خالی و ساخته نشده در همسایگی اماکن مسکونی و تجاری
- شبکه معابر کم‌عرض، کوچه‌های بن‌بست و قطعات کوچک مسکونی
- میزان فرسودگی و فشردگی بیش‌ازحد بافت
- کمبود روشنایی مناسب و کافی در محدوده
- خانه‌ها و زمین‌های متروکه و مخروبه
- کمبود خدمات شهری داخل بافت

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۶.

یافته‌های پژوهش

مراحل به‌کارگیری مدل در محدوده پیشنهادی

در این پژوهش نخست به ارائه مدل پتانسیل وقوع جرم از طریق تبیین مؤلفه‌های محیطی و رتبه‌بندی شاخص‌ها و معیارهای ارائه‌شده پرداخته شد و در مرحله بعد اقدام

به اولویت‌بندی پهنه‌های چهارگانه کوی مدرس بر اساس کیفیت مؤلفه‌های محیطی شد. در این راستا، ابتدا شاخص‌ها و معیارهای با استفاده از تکنیک تحلیل سلسله مراتبی فازی اولویت‌بندی و سپس در مرحله پایانی پهنه‌های چهارگانه کوی مدرس با به‌کارگیری تکنیک شبکه‌ای فازی بر اساس کیفیت مؤلفه‌های محیطی مورد اولویت‌بندی قرار گرفت.

گام اول: شناسایی و رتبه‌بندی مؤلفه‌های محیطی مؤثر بر وقوع جرائم شهری. مؤلفه‌های ارائه‌شده در مدل پیشنهادی از طریق بررسی حجم گسترده‌ای از مبانی نظری و تحلیل مطالعات گوناگون نظریه‌پردازان این حوزه استخراج و شاخص‌های تدوین‌شده در مدل تحلیل سلسله مراتبی فازی از طریق مطالعه حجم گسترده‌ای از مبانی نظری و تحلیل مطالعات گوناگون نظریه‌پردازان این حوزه احصاء شده است. در ابتدا پرسشنامه مقایسه زوجی در اختیار گروه تصمیم‌گیری قرار گرفت و از آن‌ها خواسته شد تا وزن و اهمیت شاخص‌های تعیین‌شده را به صورت مقایسه زوجی و بر مبنای طیف ۱ تا ۹ ساعتی^۱ تعیین نمایند که حاصل این مرحله ماتریس اولیه مقایسات زوجی مربوط به شاخص‌های پژوهش است. لازم به ذکر است که این ماتریس در خصوص رتبه‌بندی خوشه‌های تعیین‌شده برای تمامی اعضای گروه تصمیم‌گیری تهیه شد. در جدول شماره (۳) ماتریس مقایسات زوجی خوشه‌ها ذکر شده است.

جدول شماره (۳): نمونه ماتریس مقایسه زوجی ابتدایی بر مبنای طیف ساعتی

	B _۱	B _۲	B _۳	B _۴
B _۱	۱, ۱, ۱	۳, ۴, ۵	۴, ۵, ۶	۱, ۱, ۲, ۱, ۳
B _۲	۱, ۳, ۱, ۴, ۱, ۵	۱, ۱, ۱	۲, ۳, ۴	۱, ۵, ۱, ۶, ۱, ۷
B _۳	۱, ۴, ۱, ۵, ۱, ۶	۱, ۲, ۱, ۳, ۱, ۴	۱, ۱, ۱	۱, ۶, ۱, ۷, ۱, ۸
B _۴	۱, ۲, ۳	۵, ۶, ۷	۶, ۷, ۸	۱, ۱, ۱

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۶.

گام دوم: تعیین درجه اهمیت خوشه‌ها و مؤلفه‌های پژوهش. به منظور اخذ نظرات خبرگان در این پژوهش و برای تحلیل ماتریس‌های مقایسات زوجی فازی و محاسبه اوزان از برنامه صفحه گسترده EXCEL استفاده شده است.

1- Thomas L.Saaty

جدول شماره (۴): مقایسه زوجی زیرگروه‌ها با اعداد فازی

A _۱	A _۲	A _۳	A _۴	A _۵	A _۶	A _۷	A _۸	A _۹	A	A
۱,۱,۱	۴,۵,۶	۲,۳,۴	۲,۳,۴	۲,۳,۴	۲,۳,۴	۲,۳,۴	۲,۳,۴	۲,۳,۴	۱,۴,۱,۷,۱,۸	۱,۲,۳
۱,۴,۱,۵,۱,۶	۱,۱,۱	۱,۳,۱,۴,۱,۵	۱,۱,۱	۱,۱,۱	۱,۱,۱	۱,۱,۱	۱,۱,۱	۱,۱,۱	۱,۵,۱,۶,۱,۷	۴,۵,۶
۱,۲,۱,۳,۱,۴	۳,۴,۵	۱,۱,۱	۱,۱,۱	۱,۱,۱	۱,۱,۱	۱,۱,۱	۱,۱,۱	۱,۱,۱	۱,۸,۱,۹,۱,۱	۱,۳,۱,۴
۱,۳,۱,۴,۱,۵	۲,۳,۴	۱,۱,۱	۱,۱,۱	۱,۱,۱	۱,۱,۱	۱,۱,۱	۱,۱,۱	۱,۱,۱	۱,۱,۱,۲,۱,۳	۱,۵,۱,۶,۱,۷
۲,۳,۴	۵,۶,۷	۴,۵,۶	۴,۵,۶	۴,۵,۶	۴,۵,۶	۴,۵,۶	۴,۵,۶	۴,۵,۶	۱,۳,۱,۴,۱,۵	۱,۲,۳
۳,۴,۵	۱,۲,۳	۲,۳,۴	۲,۳,۴	۲,۳,۴	۲,۳,۴	۲,۳,۴	۲,۳,۴	۲,۳,۴	۱,۷,۱,۸,۱,۹	۱,۱,۱,۲,۱,۳
۱,۵,۱,۶,۱,۷	۷,۸,۹	۱,۴,۱,۵,۱,۶	۱,۲,۳	۱,۲,۳	۱,۲,۳	۱,۲,۳	۱,۲,۳	۱,۲,۳	۱,۱,۱,۲,۱,۳	۱,۱,۱,۲,۱,۳
۱,۳,۱,۴,۱,۵	۶,۷,۸	۵,۶,۷	۵,۶,۷	۵,۶,۷	۵,۶,۷	۵,۶,۷	۵,۶,۷	۵,۶,۷	۱,۳,۱,۴,۱,۵	۱,۳,۱,۴,۱,۵
۱,۴,۱,۵,۱,۶	۱,۴,۱,۵,۱,۶	۱,۴,۱,۵,۱,۶	۱,۴,۱,۵,۱,۶	۱,۴,۱,۵,۱,۶	۱,۴,۱,۵,۱,۶	۱,۴,۱,۵,۱,۶	۱,۴,۱,۵,۱,۶	۱,۴,۱,۵,۱,۶	۱,۴,۱,۵,۱,۶	۱,۴,۱,۵,۱,۶

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۶.

بر اساس مقادیر $\sum_{j=1}^N = \sum_{j=1}^M M_{gi}^j$ برای هر یک از سطرهای این ماتریس مطابق

جدول شماره (۵) برابر است با:

جدول شماره (۵): مقادیر هر یک از سطرها برای شاخص‌های محیطی مؤثر بر وقوع جرائم شهری

معیارها	$\sum_j^m M_{gi}^j$
A _۱	(۲۹, ۳۵ ۷, ۴۲ ۴)
A _۲	(۳۸ ۴, ۴۷ ۸, ۵۷ ۲)
A _۳	(۴۰ ۶, ۵۱ ۸, ۶۳)
A _۴	(۲۲ ۲, ۲۸, ۳۳ ۸)
A _۵	(۲۰ ۱, ۲۳ ۲, ۲۶ ۳)
A _۶	(۳۱ ۸, ۳۹ ۵, ۴۶ ۲)
A _۷	(۵۱ ۱, ۶۳ ۲, ۷۵ ۳)
A _۸	(۶۹ ۳, ۵۷ ۲, ۶۹ ۳)
A _۹	(۲۰ ۷, ۲۳ ۸, ۲۶ ۹)
A _{۱۰}	(۳۰ ۴, ۳۸, ۴۵ ۶)
A _{۱۱}	(۳۹ ۶, ۴۹, ۵۸ ۴)
A _{۱۲}	(۲۶ ۴, ۳۱ ۳, ۳۶ ۲)
A _{۱۳}	(۲۰ ۹, ۲۲ ۲, ۲۱ ۷)
A _{۱۴}	(۲۵ ۴, ۳۲ ۱, ۳۸ ۸)

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۶.

در ادامه برای محاسبه S_i برای هر یک از سطرها از رابطه ریاضی زیر استفاده شده است:

$$\sum_{j=1}^n + \sum_{j=1}^M M_{gi}^j \Rightarrow (۴۴۱ ۷, ۵۴۱ ۸, ۶۴۱ ۱)$$

بنابراین مقدار $\sum_{i=1}^n + \sum_{j=1}^M M_{gi}^j$ تقسیم بر عدد ۱، پس از استانداردسازی برابر است با:

$$(۰.۰۰۲۲۶۴, ۰.۰۰۱۸۴۲, ۰.۰۰۱۵۶)$$

گام سوم: محاسبه وزن کلی و محلی خوشه‌ها و زیرگروه‌های ۱۴ گانه اصلی. در این مرحله به منظور تعیین وزن نهایی زیرگروه‌ها، وزن اصلی خوشه‌ها و زیرگروه‌ها تلفیق می‌شوند. با ضرب کردن وزن هر یک از خوشه‌ها در وزن ویژگی اصلی مرتبط با آن وزن کلی خوشه‌های اصلی با فرض عدم وجود وابستگی محاسبه می‌شود.

جدول شماره (۶): مدل سلسله مراتبی با وزن‌های کلی و محلی از طریق *AHP-FUSSY*

وزن نسبی		زیرگروه	وزن نسبی	شاخص	هدف
Global	Local				
۰.۳۶۹	۳.۶۱۴	A _۱	۰.۲۰۶	B _۱	مدل‌سازی پتانسیل وقوع جرم از طریق
۰.۰۴۶	۰.۴۴۸	A _۲			
۰.۰۴۹	۰.۴۷۸	A _۳			
۰.۰۴۷	۰.۴۶۴	A _۴			
۰.۰۴۹	۰.۴۷۷	A _۵			
۰.۰۴۸	۰.۴۷۴	A _۶			
۰.۰۵	۰.۴۹۳	A _۷	۰.۲۱۲	B _۲	تیبین اثرگذاری مؤلفه‌های محیطی مؤثر وقوع جرائم شهری (مطالعه موردی: کوی مدرس، شهر دزفول)
۰.۰۴۸	۰.۴۷	A _۸			
۰.۰۵۵	۰.۵۳۴	A _۹			
۰.۰۳۱	۰.۳۰۶	A _{۱۰}	۰.۱۴۱	B _۳	
۰.۰۳۵	۰.۳۴۴	A _{۱۱}			
۰.۰۴۵	۰.۴۳۸	A _{۱۲}			
۰.۱۰۲	۱/۰	A _{۱۳}	۰.۴۴۱	B _۴	
۰.۰۲۶	۰.۲۵۳	A _{۱۴}			
۱/۰	۹.۷۹۴	SUM	۱	مجموع	

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۶.

مطابق با جدول شماره (۶)، بیشترین ارزش فازی شاخص‌های محیطی مؤثر بر وقوع جرائم شهری، به شاخص‌های وجود کاربری‌های شبانه‌روزی در بافت، حذف ساختمان‌ها و فضاهای عمومی متروکه و بلااستفاده، بهبود امنیت درها و پنجره‌هایی که به فضای محله باز می‌شوند و روشنایی کافی مکان‌های آسیب‌پذیر تعلق دارد. با توجه به این نتایج به نظر می‌رسد پرداختن به عوامل کالبدی-مکانی مؤثر بر امنیت فضای شهری، مثل روشنایی و قابلیت دید داشتن و همچنین عوامل کارکردی، عملکردی مؤثر بر امنیت فضای شهری مانند تزریق کاربری‌های متنوع و جاذب گروه‌های مختلف سنی و جنسی در فضاهای متروکه و رهاشده در محلات کوی مدرس از اولویت بالایی جهت پرداخت به آن‌ها برخوردار می‌باشند.

گام چهارم: محاسبه وزن نهایی پهنه‌های چهارگانه کوی مدرس و انتخاب جرم‌خیزترین پهنه. جهت محاسبه این مقادیر، هر سطح از ماتریس زیرگروه‌ها در جدول شماره (۶) در وزن نهایی زیرگروه‌های متناظر با آن ضرب شده است و سپس مقادیر این

ستون‌ها با یکدیگر جمع می‌شوند. وزن نهایی پهنه‌های چهارگانه به تفکیک شاخص‌های محیطی مؤثر بر وقوع جرائم شهری در جدول شماره (۷) ارائه شده است.

جدول شماره (۷): وزن نهایی پهنه‌های چهارگانه کوی مدرس

نام پهنه	B ₁ (۰,۲۰۶)	B ₂ (۰,۲۱۲)	B ₃ (۰,۱۴۱)	B ₄ (۰,۴۴۱)	W _i
پهنه ۱	۰ ۲۵	۰ ۲۱۲	۰ ۲۰۸	۰ ۱۷۱	۰ ۲۰۱
پهنه ۲	۰ ۰۳۸	۰ ۱۸۱	۰ ۴۴۶	۰ ۱۹۹	۰ ۱۹۷
پهنه ۳	۰ ۵۱۸	۰ ۴۲۱	۰ ۱۲۸	۰ ۴۲۱	۰ ۴
پهنه ۴	۰ ۱۹۵	۰ ۱۸۸	۰ ۱۲۸	۰ ۲۰۹	۰ ۲۰۳
مجموع	۱/۰	۱/۰	۱/۰	۱/۰	۱/۰

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۶.

با توجه به تحلیل‌ها و محاسبه‌های انجام‌شده، می‌توان وضعیت شاخص‌های محیطی مؤثر بر وقوع جرائم شهری را به تفکیک در پهنه‌های چهارگانه کوی مدرس شهر دزفول به‌صورت شکل شماره (۳) ارائه داد.



شکل شماره (۳): وضعیت شاخص‌های محیطی مؤثر بر وقوع جرائم شهری در محدوده مورد مطالعه

(نگارندگان، ۱۳۹۶)

با توجه به شاخص‌های محیطی مؤثر بر وقوع جرائم شهری، مدل پیشنهادی با ارائه روش مدل‌سازی پتانسیل وقوع جرم‌خیزی فضاها و حوزه‌های شهری به‌صورت نسبی و با بهره‌گیری از نظرات شهرسازانه، در محدوده مورد مطالعه به طبقه‌بندی پهنه‌های چهارگانه کوی مدرس شهر دزفول پرداخت شده است. مطابق با جدول شماره (۷) و نقشه فوق بررسی حاضر نشان داد که پهنه شماره (۳) و (۴) به جهت نامناسب بودن وضعیت شاخص‌های محیطی مؤثر بر وقوع جرائم شهری، بیشترین امتیاز را در مقایسه با دو پهنه دیگر به خود اختصاص داده‌اند. بدین ترتیب ساکنین کوی مدرس از سطح پایین امنیت در فضاهای شهری رنج می‌برند که این موضوع می‌تواند هشدار جدی جهت پایداری منطقه محسوب شود. با توجه به تحلیل شاخص‌های محیطی مؤثر بر وقوع جرائم شهری، می‌توان توسط راهکارهایی نظیر کنترل دسترسی به فضاهای داخلی محله از طریق حضور پذیری ساکنین، بازسازی و نوسازی اماکن مخروبه، فرسوده و رهاشده، تأمین روشنایی معابر، هدفمند کردن گشت‌های پلیس قابل‌رؤیت به‌منظور نظارت بیشتر به‌خصوص در نواحی کم‌رفت‌وآمد، توسط نیروهای انتظامی، امکان ایجاد کیوسک اطلاع‌رسانی و نیروی انتظامی در محدوده کوی مدرس، در راستای اهداف مدل‌سازی پتانسیل وقوع جرم از طریق تبیین اثرگذاری مؤلفه‌های محیطی مؤثر بر وقوع جرائم شهری این محدوده از شهر دزفول در جهت ارتقای سطح امنیت کوی مدرس گام برداشت.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، مهم‌ترین شاخص‌ها و گویه‌های تأثیرگذار بر وقوع جرائم شهری کوی مدرس در قالب چهار خوشه و ۱۴ زیرگروه در مدل FAHP طراحی، وزن دهی، محاسبه، پردازش و تحلیل شدند. مقایسه وضعیت خوشه‌ها در ماتریس مقایسه زوجی ابتدایی، به ترتیب اهمیت و برتری خوشه طراحی مناسب ساختمان با امتیاز نرمال شده (۰.۴۴۱)، کنترل دسترسی با امتیاز نرمال شده (۰.۲۱۲)، نظارت با امتیاز نرمال شده (۰.۲۰۶) و تقویت قلمرو طبیعی با امتیاز نرمال شده (۰.۱۴۱) را نشان می‌دهد. خروجی‌ها و نتایج مدل نشان می‌دهد که بیشترین ارزش فازی شاخص‌های محیطی مؤثر بر وقوع جرائم شهری در کوی مدرس شهر دزفول، به شاخص‌های وجود کاربری‌های شبانه‌روزی در بافت با امتیاز نرمال شده (۰.۳۶۹)، حذف ساختمان‌ها و فضاهای عمومی متروکه و

بلااستفاده با امتیاز نرمال شده (۰ ۱۰۲)، بهبود امنیت درها و پنجره‌هایی که به فضای محله باز می‌شوند با امتیاز نرمال شده (۰ ۰۵۵) و روشنایی کافی مکان‌های آسیب‌پذیر با امتیاز نرمال شده (۰ ۰۴۹) تعلق دارد. همچنین در تحلیل وضعیت پهنه‌های چهارگانه به ترتیب جرم‌خیزترین، پهنه (۳) با امتیاز نرمال شده (۰ ۴)، پهنه (۴) با امتیاز نرمال شده (۰ ۲۰۳)، پهنه (۱) با امتیاز نرمال شده (۰ ۲۰۱) و پهنه (۲) با امتیاز نرمال شده (۰ ۱۹۷) تعیین شد. مطابق با فرضیه‌های پژوهش نتایج حاکی از آن است که در میان پهنه‌های چهارگانه محدوده مطالعاتی میزان امنیت متفاوت است به نحوی که پهنه (۳) از لحاظ مؤلفه‌های محیطی مؤثر بر وقوع جرائم شهری ناامن‌ترین پهنه محسوب می‌شود. براین اساس، با مقایسه نتایج خوشه‌ها و گره‌ها، مؤلفه‌های تأثیرگذار بر وقوع جرائم شهری در کوی مدرس تعیین می‌گردد. پژوهش حاضر نشان داده است که در برخی فضاهای عمومی کوی مدرس مانند پهنه (۳) جرائم شهری متعددی وجود دارد که از ظاهری نمایان برخوردار نیستند بلکه به صورت پنهانی و به دور از چشمان نظاره‌گر رسمی رخ می‌دهد. از جمله این جرائم، خرید و فروش مواد مخدر، شرارت و باج‌گیری، کیف‌قاپی، قتل است.

پیشنهاد‌های پژوهش

با توجه به تجزیه و تحلیل خوشه‌ها و زیرگروه‌ها، نتایج مدل، شرایط کالبدی وضع موجود محدوده مورد مطالعه و تطبیق آن با وضعیت فعلی مؤلفه‌های محیطی مؤثر بر وقوع جرائم شهری کوی مدرس، راهبردها و پیشنهادهایی اجرایی جهت بهبود وضعیت موجود و افزایش سطح امنیت محیطی فضاهای کوی مدرس به صورت موضعی ارائه می‌شود:

- استقرار کاربری‌هایی که پتانسیل وقوع جرم و ناامنی را دارند، در مکان‌های قابل‌رؤیت و داری نظارت عمومی در آن؛
- ایجاد کاربری‌هایی مانند سوپرمارکت و نانوايي یا دکه‌های روزنامه‌فروشی در محدوده خیابان‌های پهنه شماره (۱)؛
- تزریق کاربری‌های فعال در طول شب به صورت پراکنده در بافت جهت ارتقاء حس امنیت در شهروندان به‌ویژه در پهنه شماره (۲)؛

- افزایش حضور پلیس در محدوده پهنه شماره (۳) از طریق استقرار دائمی نیروی انتظامی و یا گشت‌های موقت؛
- تزریق کاربری‌های متنوع و جاذب گروه‌های مختلف سنی و جنسی در فضاهای متروکه و رهاشده در پهنه شماره (۳)؛
- نورپردازی مطلوب و کافی بر ورودی‌ها، رعایت استانداردهای مبلمان شهری مانند چراغ‌های روشنایی و تابلوهای شهری به‌ویژه در پهنه شماره (۴).



منابع

- بارانی، محمد؛ کلاتتری، محسن؛ جباری، کاظم (۱۳۸۹). تحلیل الگوهای مکانی^۱ زمانی بزهکاری در مناطق شهری مطالعه موردی جرائم سرقت به عنف و شرارت و باج‌گیری در بخش مرکزی شهر تهران. فصلنامه انتظام اجتماعی، سال دوم، شماره ۱.
- بیات رستمی، روح اله؛ کلاتتری، محسن؛ حسنی، سعید (۱۳۸۹). توانمندسازی معابر و محلات شهری در برابر بزهکاری از طریق طراحی محیطی (CPTED). دومین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- حیدرپور شادهی، معصومه؛ عموزاده، لیچایی (۱۳۹۳). ارائه الگویی جهت پیشگیری از جرم و کاهش جرایم و ارتقا امنیت محیطی در محله مسکونی با تکیه بر رویکرد طراحی محیطی (C.P.T.E.D). اولین کنفرانس ملی شهرسازی، مدیریت شهری و توسعه پایدار. تهران.
- حیدری، غلامحسین؛ کارگر، بهمن؛ منافی، سمیه؛ خراسانیان، میترا (۱۳۹۰). پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی (مورد مطالعه: زنجان). فصلنامه علمی پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، شماره ۱۳، ص ۱۱-۲۸.
- رحمت، محمدرضا (۱۳۸۸). پیشگیری از جرم از طریق معماری و شهرسازی. تهران: انتشارات میزان.
- رحیمی، نادر (۱۳۸۵). بررسی توزیع فضایی جرم در شهر کرج. پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد جغرافیا. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- رهنمایی، محمدتقی؛ پور موسوی، سید موسی (۱۳۸۵). بررسی ناپایداری‌های امنیتی کلان‌شهر تهران بر اساس شاخص‌های توسعه پایدار شهری. مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۷، ص ۱۷۷-۱۹۳.
- سلیمی سبحان، محمدرضا؛ یاری، منیر؛ حیدری، جهانگیر (۱۳۹۴). رویکرد پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی و منفعل سازی کانون‌های جرم خیز شهری. فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، سال دهم، شماره ۳، ص ۳۵-۶۲.
- شاهپوندی، احمد؛ رئیسی وانانی، رضا؛ شیخی، حجت (۱۳۸۸). تحلیلی بر توزیع فضایی جرم در مناطق شهر اصفهان. فصل‌نامه دانش انتظامی، سال یازدهم، شماره ۴.
- صالحی، اسماعیل (۱۳۸۸). نقش شهرسازی (نظریه محیطی) در پیشگیری از رفتارهای ناهنجار شهری. مجله هنرهای زیبا و معماری شهرسازی، شماره ۳۹. تهران: دانشگاه تهران.
- طاهرخانی، حبیب‌الله (۱۳۸۱). ایجاد فضاهای قابل دفاع شهری. مجله مدیریت شهری، شماره ۹.

- کلارک، رونالد (۱۳۸۷). نظریه پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی. ترجمه محمدحسن جعفریان. فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال سوم، شماره ۳.
- کلانتری، محسن؛ عبداللهی حقی، مریم (۱۳۸۷). کمبود توقفگاه‌های عمومی و تأثیر آن در وقوع سرقت وسایل نقلیه یا لوازم آن در بخش مرکزی شهر زنجان. مجله اصلاح و تربیت شماره ۱۲.
- محمدی حمیدی، سمیه؛ کلانتری، محسن (۱۳۹۴). تحلیل وضعیت نورپردازی و ارزیابی ایمنی فضاهای شهری با استفاده از راهبردهای CPTED و مدل ارزیابی Safety Audit. پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، دوره سوم، شماره ۳.
- نایی، هوشنگ؛ صدیق سروستانی، رحمت‌الله؛ قهرمان، سهراب (۱۳۹۰). نقش فضاهای بی‌دفاع شهری در رفتارهای خشونت‌آمیز. دانش انتظامی، سال سیزدهم، شماره ۱.
- Atlas, R. (2000), Safety and security design, INC. from <http://www.cptedsecurity.com>.
- Crowe, T. D. (2000), Crime Prevention through Environmental Design: Applications of Architectural Design and Space Management Concepts Butterworth-Heinemann, Oxford. pp 87-95
- McCamley, P. (2001), Crime, design and urban planning: from theory to practice, first published in the Royal Australian Planning Institute Magazine, New Planner
- Monchuk, L. & Armitage R. (2010), 1999 to 2009: Re-Evaluating Secured by Design (SBD) Housing in West Yorkshire.
- Wang, D. Ding, W. Lo, H. Morabito, M. Chen, P. Salazar, J. & Stepinski, T. (2013), Understanding the spatial distribution of crime based geospatial discriminative patterns. Computers, Environment and Urban Systems, 39: 93-106.